

بصیر همت

هوش مصنوعی از جنگ کود ها تا جنگ داغ نوال حراری کتاب 'پیوند'

(بخش دوم)

در حالیکه کشور های چین و ایالات متحده در حال حاضر، پیشتازان مسابقه تکنولوژی هوش مصنوعی آند، مگر آنها تنها نیستند، سایر کشور ها و بلوک ها مانند اتحادیه اروپا، هند، برازیل و روسیه، ممکن است تلاش نمایند تا حوزه های دیجیتالی خود را بوجود آورند که هر کدام تحت تاثیر سنت های سیاسی، فرهنگی و مذهبی متفاوت اند. به همان اندازه ای که امپراطوری های جدید باهم رقابت نمایند، خطر درگیری مسلحانه بیشتر میگردد، جنگ سرد میان ایالات متحده و اتحاد شوروی، هرگز به یک رویارویی مستقیم تبدیل نشد که عمدتاً به لطف دکتورین "تخریب متقابل تضمین شده" استوار بود، مگر خطر تشدید تنش در عصر هوش مصنوعی بزرگتر از گذشته است زیرا جنگ سایبری ذاتاً با جنگ هسته ای متفاوت است.

اول- سلاح های سایبری، بسیار متنوع تر از بمب های هسته ای اند، سلاح های سایبری می توانند شبکه برق یک کشور را از فعالیت باز دارند، می توانند برای تخریب یک مرکز تحقیقاتی مخفی پارازیت در سنسور های دشمن پخش نمایند، یک رسوایی سیاسی، دستکاری در انتخابات یا مختل نمودن تیلیفون های هوشمند را براه اندازند. در دنیای تکنولوژی هوش مصنوعی، می توان همه ای کار های مخفیانه را بدون شلیک آتش و یا بروز ابرهای مشروم، قارچ، مانند، ویابودن استفاده از یک دستگاه پرتاب که قابل دید و رویارویی باشد، انجام داد. در نتیجه، گاهی اوقات دشوار است بدانیم که آیا حمله ای رخ داده است و یا چه کسی انرا راه اندازی نموده است، از این لحاظ وسوسه برای شروع یک جنگ سایبری محدود و تشدید آن نیز زیاد است. کشور های رقیب، مانند اسرائیل و ایران، یا ایالات متحده و روسیه سال ها است که در یک جنگ اعلام نشده قرار دارند و در حال تشدید مبادله حملات سایبری اند. و این در حال تبدیل شدن به یک حالت جدیدی است که تنش های جهانی را شدت می بخشد، و کشور ها را، یکی پس از دیگری، به عبور از خط قرمز سوق می دهد.

دوم- تفاوت عمده دیگر، مربوط به قابلیت پیشبینی است، جنگ سرد مانند یک بازی شطرنج بیش از حد منطقی بود و اطمینان از نابودی، در صورت درگیری هسته ای آنقدر زیاد بود که باعث میگردید تا تمایل جوانب رقیب به شروع جنگ، کاهش یابد، مگر

برعکس، جنگ سایبری فاقد چنین قطعیت و یا اطمینان است زیرا هیچکدام با اطمینان نمی‌داند که جانب مقابل با بمب‌های قبالا تعبیه شده، با ویروس‌های که در کامپیوترها وارد می‌سازند و کامپیوترها را هک می‌نمایند و یا پروگرام‌های انرا هدف می‌نمایند، چه بر سر سلاح‌های جانب مقابل می‌آورد، هیچکدام نمیتواند مطمئن باشد که سلاح‌های شان، زمانیکه بخواهند، واقعا کار خواهد کرد یاخیر، آیا موشک‌های چینی زمانیکه دستور فیر داده می‌شوند، فیر می‌نمایند و یا شاید امریکایی‌ها زنجیره فرماندهی آنها را هک نموده باشند. آیا کشتی‌های هواپیما بر امریکا انطوریکه انتظار می‌رود کار خواهد نمود یا که آنها بطور مرموزی غیر فعال ساخته شده اند و یا کشتی‌ها عوض که بجلو حرکت نمایند، بطور دایروی بدور خود می‌چرخند.

حتی اگر بشریت از بدترین سناریوی جنگ جهانی اجتناب نماید، ظهور امپراطوری‌های دیجیتال جدید همچنان می‌تواند آزادی و رفاه ملیارد ها انسان را به خطر اندازد. امپراطوری‌های صنعتی قرن نوزدهم و بیستم، کشور‌های تحت مستعمره خویشرا استثمار و سرکوب نمودند و این احمقانه است که انتظار داشته باشیم که امپراطوری‌های دیجیتال کنونی رفتار بهتری داشته باشند.

علاوه بر این همانطوریکه قبلا ذکر گردید اگر جهان به امپراطوری‌های رقیب تقسیم گردد، بعید است که بشریت برای غلبه بر بحران محیط زیست یا تنظیم هوش مصنوعی و سایر فن‌آوری‌های مخرب مانند مهندسی بیولوژیکی تشریک مساعی نمایند.

جهت حفظ توافقات بین‌المللی در زمینه هوش مصنوعی، عملکرد سیستم جهانی مستلزم تغییرات عمده است، در حالیکه ما تجربه ای در تنظیم تکنولوژی‌های خطرناک چون سلاح هسته‌ای و بیولوژیکی داریم، تنظیم هوش مصنوعی بدو دلیل نیاز مند سطوح بی سابقه ای از اعتماد و انضباط است.

اول- مخفی ساختن یک لایراتوار و یا یک آزمایشگاه غیر قانونی هوش مصنوعی آسان‌تر از مخفی سازی یک ریاکتور هستوی غیر قانونی است.

دوم- فناوری‌های هوش مصنوعی، کاربرد‌های مورد استفاده دوگانه ملکی و نظامی بیشتری نسبت به بمب‌های هستوی دارند، یک کشور می‌تواند چنین سلاح‌های را مخفیانه تولید نماید، یا آنها را بعنوان محصولات غیر نظامی پنهان نماید، بعنوان مثال: ممکن است پهپاد‌های کاملا خود مختار را برای ارسال نامه‌ها و یا سم‌پاشی زمین‌های زراعتی توسعه دهند که با چند تغییر جزئی میتوانند حامل بمب‌های گردند و با سم‌پاشی بر روی مردم فرستاده شوند. که همه این‌ها می‌تواند اعتماد میان دولت‌ها را دشوار سازد.

پایان